

ابن عربی از نگاهی دیگر

سید محسن طیب نیا

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

تلفن: ۰۲۱-۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۷۳

تلفن: نماز: ۰۲۱-۳۷۷۴۴۹۸۸-۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

آدرس: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران

بقعه شمس: واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

www.dalilma.ir

Dalilma@yahoo.com

انتشارات دلیل ما

مراکز پخش:
(۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۴۶۶
(۲) قم، خ صفائی، روبروی کسب و کار، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۳۷۷۳۷۰۱۱-۳۷۷۳۷۰۰۱
(۳) تهران، خ انقلاب، فلک آبی، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
(۴) مشهد، چهارراه شهید خدای، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،
مجتمع تجاری گنجینه کتب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه

طیب نیا، سید محسن

عنوان و پدیدآور

ابن عربی از نگاهی دیگر / سید محسن طیب نیا

مشخصات نشر

قم: دلیل ما، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری

۴۳۲ ص.

شابک

978-964-397-873-0

وضعیت فهرست نویسی

فیا

یادداشت

کتابنامه ص. ۴۲۵ - ۴۳۲؛ همچنین به صورت زیر

موضوع

ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. -- سرگذشت

موضوع

عارفان -- قرن ۷ ق -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره

BP ۲۷۹ / ۲ / الف ۲ ط ۹۴ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی

۲۹۷ / ۸۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی

۳۴۱۷۶۱۵

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۲۱	 ۱- شرح زندگانی ابن عربی
۲۵	 ۲- اساتید ابن عربی
۲۵	 ابو العباس عرینی
۲۶	 ابو مدین غوث تلمسانی
۲۸	 فاطمه قرطبی
۲۹	 ۳- آثار ابن عربی
۳۰	 الفتوحات المکیة
۳۲	 فصوص الحکم
۳۴	 ترجمان الأشواق
۳۹	 ۴- مشایخ بزرگ صوفی در آثار ابن عربی
۳۹	 ۱. بایزید بسطامی
۴۳	 ۲. سهل بن عبد الله تستری
۴۵	 ۳. حسین بن منصور حلاج
۵۰	 ۴. أبو طالب مکی

۵. ابو حامد غزالی ۵۱
۶. عبد القادر گیلانی ۵۲
- ۵- سخن برخی از رجال شیعه درباره مذهب ابن عربی ۵۵
- ۶- دلایل شیعه نبودن ابن عربی ۷۵
- (۱) نص و دلیل قطعی بر شیعه نبودن ابن عربی ۷۵
- (۲) وی ابوبکر را خلیفه بلا فصل رسول خدا ﷺ می‌داند ۷۹
- بیان مناقب شیخین ۸۱
- الفصل در تعریف کتاب ابن عربی است ۸۱
- ب- ابن عربی در این گونه موارد تقیه کرده است ۸۲
- (۴) ابن عربی در این موارد تقیه کرده است ۸۸
- (۵) ابن عربی عثمان را نفی می‌کند و خلیفه حق از جانب وی می‌داند ۹۵
- (۶) چشم‌پوشی ابن عربی از منافق امام علی بر ابی طالب ﷺ ۹۸
- (۷) بی حرمتی به امام علی ﷺ با نقل حدیث از امام علی ۱۰۲
- (۸) فحاشی به پیروان خاندان طهارت ۱۰۴
- (۹) ابن عربی آیه «اولوا الامر» را بر مبنای اهل بیت می‌گیرد ۱۰۴
- (۱۰) ابن عربی ادعا دارد که اراده خداوند بر این بود که ابوبکر و عمر و عثمان در خلافت بر امام علی ﷺ مقدم شوند ۱۰۶
- (۱۱) طول عمر خلفای راشدین دلیل بر حقانیت آنها ۱۰۸
- (۱۲) بر خلاف عقیده شیعه مهدی موعود ﷺ را از نسل امام حسن مجتبیٰ (ع) معرفی می‌کند ۱۰۹
- (۱۳) بر خلاف اجماع شیعه می‌گوید حضرت مهدی ﷺ به حضرت عیسیٰ ﷺ در هنگام نماز اقتدا می‌کند ۱۱۲
- (۱۴) ابن عربی متوکل جنایتکار را خلیفه رسول الله ﷺ و از اولیای بزرگ خداوند می‌داند ۱۱۳

۱۵	هیچ خبری از معارف خاندان عصمت و طهارت علیه السلام در توحید و خداشناسی در آثار ابن عربی مشاهده نمی شود	۱۱۴
۱۶	بیان مسائل فقهی طبق مذاهب اهل سنت	۱۱۴
۷	دیدگاه ابن عربی درباره شیعیان	۱۱۷
۸	قطب در دیدگاه ابن عربی	۱۲۳
	ملاقات محی الدین با قطب	۱۲۸
۱	ملاقات با احمد بن هارون الرشید	۱۲۸
	ملاقات قطب زمان در سال ۵۹۳ ه. ق	۱۳۰
۹	«اولو الامر» از دیدگاه ابن عربی	۱۳۳
	ممنوعیت انتقاد به شیعیان	۱۴۰
	جواز قتل مخالفان حاکمان جور	۱۴۱
۱۰	دیدگاه ابن عربی درباره پدر حضرت بر مؤمنان علی علیه السلام	۱۴۳
۱۱	دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد ابن عربی	۱۴۹
۱۲	وجدت وجود در عرفان ابن عربی	۱۵۷
	تعریف وحدت وجود و موجود	۱۵۷
	ریشه های تاریخی وحدت وجود در اندیشه های خواجه ابن عربی	۱۶۰
	الف: وحدت وجود در فلسفه هند	۱۶۱
	ب: وحدت وجود در فلسفه رواق	۱۶۲
	ج: وحدت وجود در فلسفه نوافلاطونیان	۱۶۲
	د: تأثیر افکار فلوطین در تصوف و عرفان منتسب به اسلام	۱۶۴
	ه: وحدت وجود در دیانت یهود و مسیح و افکار «فیلون» و...	۱۶۶
	و: ریشه یابی وحدت وجود در عقاید ابن عربی	۱۶۹
	وحدت وجود در عرفان ابن عربی	۱۷۱
	تقریر و نقد وحدت وجود ابن عربی	۱۸۲



- نقد سخنان جناب جهانگیری ۱۸۵
- نتیجه مباحث ۲۰۲
- ۱۳- وحدت وجود در آثار عرفای منتسب به اسلام ۲۰۵
- ۱۴- انسان‌ها و سایر موجودات فقط خدا را می‌پرستند ۲۱۹
- ۱۵- بیت پرستی در کلام ابن عربی و تابعان وی ۲۲۹
۱. عقیده به وحدت وجود و موجود ۲۲۹
۲. عقیده به تعلق قضای الهی به اینکه جز او پرستش نشود ۲۳۴
- ۱۰- حقانیت تمام ادیان ۲۴۱
- ۱۷- عقیده به بر مطلق در عرفان ابن عربی ۲۵۳
- الف: بی‌نیازی و اختیار ۲۵۹
- ب: تفکر و عمل ۲۶۰
- ج: احساس شرم و ایمان ۲۶۰
- د: نظام جزا و پاداش ۲۶۱
- ه: نظام تعلیم و تربیت ۲۶۱
- و: ارسال انبیاء ۲۶۱
- ۱۸- اعیان ثابت در عرفان ابن عربی ۲۶۹
- ۱۹- مقامات خدا در دیدگاه عرفا و متصوفه ۲۷۵
- ۲۰- تشبیه و تنزیه خداوند در عرفان ابن عربی ۲۸۱
- ۲۱- زن و عشق از دیدگاه ابن عربی ۲۹۱
- ۲۲- فرعون از دیدگاه ابن عربی ۳۰۱
- ۲۳- نوح نبی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی ۳۱۱
- ۲۴- نسبت دادن عدم آگاهی به ابراهیم علیه السلام ۳۱۹
- ۲۵- رستگاری در جهنم ۳۲۱
- ۲۶- ابن عربی و ختم ولایت ۳۲۷
- ۲۷- مکاشفات ابن عربی ۳۳۷

۱. آشکار شدن مقام ابوبکر و عمر با کشف و شهود ۳۳۹
۲. ملاقات با احمد بن هارون الرشید با مکاشفه ۳۴۰
۳. بیان احکام از طریق مکاشفه که مخالف با اجماع مذهب تشیع است ۳۴۵
- نقد و بررسی این مکاشفه ۳۴۶
۴. ابن عربی ادعا دارد که فصوص الحکم را در عالم شهود از حضرت رسول خدا ﷺ گرفته است ۳۴۷
- تحریف و اقیعات ۳۴۷
۲. وجود عقاید فاسد در این کتاب ۳۴۸
- ۲۸- بی نیاز از معارف امام زمان (عج) ۳۵۱
- ۲۹- گرفتن مستحکم عالم از خدا ۳۵۹
- ۳۰- آفرینش جهان هستی از ذیالکرم ابن عربی ۳۶۳
- نتیجه این بحث ۳۶۷
- ۳۱- حقایق یا توهمات ۳۶۹
- ۳۲- تجلیل ابن عربی از حجاج بن یوسف ۳۷۱
- ۳۳- مقام متوکل عباسی در دیدگاه ابن عربی ۳۷۷
- ۳۴- بیان برخی از فتاوی ابن عربی ۳۸۵
۱. کسی که نماز خود را حتی از روی عمد ترک کند، خدا! ۳۸۵
۲. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله و سلم» غنا گوش می کرد! ۳۸۶
۳. هنگام غائط و بول کردن رو به قبله بودن جایز است! ۳۸۷
۴. نماز جمعه بر مسافر واجب است ۳۸۸
۵. روزه به خوردن و آشامیدن عمدی، قضا و کفاره ندارد! ۳۸۸
۶. «الصلاة خیر من النوم» به جای «حي علی خیر العمل» سنت حسنه است! ۳۸۹
۷. تکتف در نماز جایز است! ۳۸۹
۸. ابن عربی حکم به جواز آمین بعد از سوره فاتحه را صادر می کند! ۳۹۰
۹. ابن عربی اضطباع را در طواف لازم می دارند! ۳۹۰

۱۰. سفارش به روزهی روز عاشورا..... ۳۹۱
۱۱. دباغی پوست میتة را پاک می‌کند!..... ۳۹۲
۱۲. ابن عربی تمام بدن زن را عورت ندانسته است!..... ۳۹۲
- ۳۵- باز هم از ابن عربی بشنوید!..... ۳۹۷
- ۳۶- برخی دیگر از مخالفان ابن عربی..... ۴۰۹
۱. مقدس اردبیلی *..... ۴۰۹
- علامه شیخ حرّ عاملی..... ۴۱۰
۳. ملا محمد بن فیض کاشانی..... ۴۱۳
- ۳۷- سخن با ابن عربی..... ۴۱۷
- فهرست منابع..... ۴۲۵

مقدمه

«ابن عربی» شیهه نرین چهره در عرفان نظری است. تصوف بعد از طی کردن فراز و نشیب‌های گوناگون در این هفتم توسط این نابغه کم نظیر به اوج شکوفایی خویش رسید؛ هنر ابن عربی در این حد که توانست عقاید صوفیان قبل از خود را با کمک گرفتن از فلسفه، مکتوب کند که با آن عنوان «عرفان نظری» نهاده شد؛ و این چنین است که می‌بینیم رسماً تصوف علم و نظری با ظهور ابن عربی ایجاد شد و هم او آن را به شکوفایی و اوج رونق خویش رسانید.

این شخصیت بزرگ از معدود شخصیت‌هایی است که در عالم اسلام مواضع کاملاً متفاوتی در برابر او گرفته‌اند: برخی به او عالی‌ترین مقامات ساخت و عرفان را دادند و او را «شیخ اکبر» و «محمی الدین» نام نهادند و در دیگر برخی دیگر آن چنان مبعوض جلوه کرد که به او لقب «ممیت الدین» دادند. استاد سید مطهری در این باره می‌نویسد:

هیچ کس به اندازه محی الدین درباره‌اش متناقض اظهار نظر نشده است؛ بعضی او را از «اولیاء الله» و «انسان کامل» و «قطب اکبر» می‌دانند و بعضی او را یک کافر مرتد، و گاهی «ممیت الدین» و «ما حی الدین» می‌خوانند.^(۱)

و درباره عقاید و حرف‌های وی می‌نویسد:

حرف‌هایش هم همین طور است: بعضی از حرف‌هایش که از او شنیده شده است، شاید از منحط‌ترین حرف‌هاست و در مقابل عالی‌ترین و پراحترام‌ترین حرف‌ها هم از او شنیده شده است.^(۱)

چیزی که هست، حتی شدیدترین مخالفان وی هم به برتری مقام و علم و فضلش اعتراف نموده‌اند؛ اما در خصوص ایمان و اعتقاد دینی او کمتر کسی را می‌توان یافت که به قدح و سرزنش او نگشاید و تمام افکار و عقاید او را مطابق شرع بداند؛ زیرا به اعتقاد دوست و دشمن در سخنان ابن عربی مطالبی است که ظاهر آن کفر و الحاد است. ظاهر این و شریعت سازگار نمی‌باشد؛ مگر اینکه مانند بعضی از مباحث برای آن دو دیدگاهی را بیابیم که با هم سازگار باشد!

در این مجموعه مختصر که نگاهی نقادانه عقاید و اندیشه‌های ابن عربی مورد بررسی قرار گرفته، سعی شده است تا با رعایت صاف مباحث به گونه علمی و استدلالی بیان شود، و هدف این است که خواننده به این نتیجه برساند که ابن عربی هر چند دانشمند و عالمی بزرگ در عرصه معارف شری است؛ اما اشتباهات بزرگ هم در آثار وی به وفور یافت می‌شود؛ بدون شک سخنان مرد آثار ابن عربی موجود است؛ اما چون عمدتاً در این چند دهه اخیر از این شخصیت تعریف و تمجید شده، متأسفانه در بیشتر مواقع اغلاط فراوان علمی و انحرافات عقیدتی وی نادیده گرفته شده است؛ لذا در این مجموعه رویکرد مؤلف صرفاً جنبه انتقادی دارد.

اعتقاد ما بر این است که بشر به هر مرحله‌ای از علم و دانش برسد به تنهایی نمی‌تواند معارف ناب توحیدی را عرضه کند، بشر بتأید معارف ناب را از وحی و واسطه‌های آن که همان معصومان علیهم السلام‌اند، اخذ نماید.

عمده راه ابن عربی برای رسیدن به معارف، سیر و سلوک و شهودات شخصی خویش

است و از منظر منتقدان، اشتباهات بزرگ وی به خاطر همین است که جهت نیل به معرفت تکیه بر قوای خویش نموده و در نتیجه دچار لغزش های بزرگ در عرصه عقاید و معارف گردیده است.

البته برخی از طرفداران و ارادتمندان این عربی که شخصیت علمی او در نظرشان درخشیده است به سختی انتقاد بر وی را می پذیرند و همواره منتقدان را به عدم فهم و بیادرتی متهم می کنند!! سؤال منتقدان این است که با فراوانی اشتباهات و انحرافات اثنا بن عربی آیا می توان وی را پدر عرفان اسلامی نام نهاد؟! ^(۱)

در پاسخ گفت:

عَرَفَ الْحَقُّ، تَعْرِفُ أَهْلُهُ؛ ^(۱)

حق را بشناس پس آن را میزان و معیاری برای شناخت افراد قرار بده.

توجه به روایتی زیبا و جامع از ابوالموحدین و امام المتقین علی بن ابی طالب (علیه السلام) بسیار رهگشاست:

...إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَسْأَلْ لِعِبَادِهِ نَفْسَهُ، وَلَكِنْ جَعَلَنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ دَبُّوا فَقَدْ سَوَّاهُ مِنَ اغْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَلَا سَوَاءَ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَذِبَةٍ يُفْتَنُ بِغَضْضِهَا فِي بَعْضٍ، وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِمُزْنٍ لَا نَفَادَ لَهَا وَلَا انْقِطَاعَ. ^(۲)

بدرستی که خداوند تبارک و تعالی اگر بخواهد خودش را به بندگان می شناساند اما ما را درها و مسیرها و راه خودش و جهتی قرار داده است که از آن طریق (معرفت خداوند) گرفته شود. پس کسی که از ولایت ما سرپیچی

۱. روضة الواعظین، انتشارات رضی، سال چاپ ۱۳۷۵، قم، ج ۱، ص ۳۱.

۲. الکافی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، سال چاپ ۱۴۰۷ هـ. ق، تهران، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۹.

کند یا غیر ما را بر ما برتری دهد، بدرستی که از راه درست فرو غلطیده است. پس کسانی که مردم به آنان متمسک می شوند با هم برابر نیستند. و برابر نیست آن گاه که مردم به سوی چشمه های گل آلودی که درهم آمیخته می روند و کسی که به سوی ما می آید به سوی چشمه سارانی زلال و پاک می آید که به امر پروردگارشان جاری هستند و هرگز نابودی و پایانی ندارند.

در این روایت شریف تنها راه شناخت و عرفان حقیقی، صراط اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است و کسانی که از ولایت ایشان روگردان شده اند و دیگران را راه های حقیقی شناسانند، از صراط مستقیم منحرف می داند؛ لذا برای عدم انحراف از مسیر صراطی هر کس با هر عنوان و اسم و رسمی که باشد اگر با معیارهای اهل بیت علیهم السلام همراه نباشد، مسامحه منحرف و مطرود است؛ حتی اگر شخصیتی به عظمت شیخ اکبر عرفان موسوم به عرفان اسلامی باشد.

متأسفانه بسیاری راه را گم می کنند، به جای اینکه دامن خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را بگیرند و شخص الهی را در دل چون امیرمؤمنان علیه السلام را مقتدای خود در معارف بدانند، دامن بشری را گرفته اند و سخنان عقاید او را محور عرفان و توحید قلمداد کرده اند.

امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی فرمودند:

يَا كُمَيْلُ! لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا؛^(۱)

ای کمیل! (معارف را) جز از ما فراگیر تا از ما باشی.

و باز مولای غارفان می فرماید:

تَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُ تَبْلِغَ الرِّسَالَةِ وَ إِتْمَامَ الْعِدَاتِ وَ تَمَامَ الْكَلِمَاتِ وَ عِنْدَنَا أَهْلُ النَّبِيِّ أَنْبَاءُ الْحُكْمِ وَ ضِيَاءُ الْأَمْرِ؛^(۲)

۱. تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، سال ۱۳۶۳، قم، ص ۱۷۱.

۲. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، انتشارات هجرت، سال چاپ ۱۴۱۴ ه. ق، قم، ص ۱۷۶، خطبه ۱۲۰.

به خدا قسم، رساندن پیام‌های تبلیغی و اتمام وعده‌ها و تمام کلمات و علوم و معارف الهی به من تعلیم شده و ابواب حکمت و روشنائی‌های امر دین و دنیا نزد ما اهل بیت علیهم‌السلام است.

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا؛^(۱)

دروغ می‌گوید آنکه خود را شیعه ما پنداشته و در عین حال تمسک به غیر ما جسته است و روبرو به سوی غیر ما نماید.

حال آنکه بنی‌امیه که با این همه سفارشات خاندان طهارت علیهم‌السلام آیا سزاوار است که شیعیان دامان خاندان طهارت علیهم‌السلام را رها کنند و دامان دیگران را بگیرند؟! البته منظور این نیست که آن بنی‌بزرگان عرصه عرفان بشری مطالعه نشود؛ بلکه سخن این است که عقاید علیهم‌السلام را از ایمان نگیریم و الا مطالعه و آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های ابن عربی به شرط آنکه در عقاید تابع خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشیم نه تنها برای اهل علم ایرادی ندارد، بلکه چه بسا در مواضعی مفید هم باشد. برخی می‌گویند که اگر با دیده دقت به عرفان ابن عربی نگاه شود مشاهده می‌شود که بسیاری از سخنان وی قابل تطبیق با آیات و روایات علیهم‌السلام می‌باشد.

در جواب باید گفت:

اگر بتوان سخن ابن عربی و امثال وی را با توجیهات درست علم مواجه کرد، انصاف این است که باید چنین کرد؛ اما حقیقتاً بسیاری از سخنان ابن عربی عرصه سیر و سلوک به هیچ عنوان قابل توجیه نمی‌باشد. به عنوان مثال: ابن عربی در کتاب فصوص الحکم در فصّ هارونیه ادعا دارد که برخورد شدید موسی علیه‌السلام با برادرش هارون علیه‌السلام - آنگاه که از سفر برگشت و دید قوم وی گوساله پرست شده‌اند - به خاطر

۱. صفات الشیعه، انتشارات اعلمی، سال چاپ ۱۳۶۲، تهران، ص ۳، ح ۴.

این بود که هارون علیه السلام قلبش مانند موسی علیه السلام اتساع نداشت به همین دلیل انکار گوساله پرستی می نمود! در دیدگاه این عربی گوساله پرستی عین خدا پرستی است؛ وی پرستش گوساله را پرستش خدا می داند!! حال این سخن که کاملاً مغایر با آیات قرآن است چه توجیهی می تواند داشته باشد؟!۱۹

و یا در همین کتاب در فصل موسویه با وجود نصوص قرآنی در هلاکت و عاقبت به شر شدن فرعون، او را اهل نجات معرفی می کند!

و یا در کتاب فتوحات مکیه عقیده به جبر مطلق را مطرح می کند و مثال ما انسان ها را مانند سربازان یک خیمه شب بازی می داند که هیچ حرکت و اثری از خود ندارد و دهها مورد دیگر که در این مجموعه به صورت کامل بحث و نقد شده است.

برخی از مفسران این عربی ممکن است بگویند: درک معارف و اسرار عرفانی، احتیاج به ذوقی ظریف و نفیس و رقیق و قلبی لطیف دارد و می بایست ابتدا مراحل سیر و سلوک گذرانده شود تا هم این مطالب به قلب تاییده شود، به همین دلیل مخالفان و منتقدان عاجز از فهم اوج این رساله هستند.

بی اعتباری این ادعا روشن است؛ با توجه به اینکه هر مدعی در هر نحله و روش عقیدتی می تواند از این نوع ادعاها و یا شبهات اینها استفاده داشته باشد دیگر هیچ محقق و یا جوینده حقی، حق بحث و گفتگو پیرامون این عقاید و شبهات را نخواهد داشت، زیرا در صورت نقد آنها، از ابتدا متهم خواهد بود.

نکته بسیار مهمی که لازم است در این مقدمه به آن اشاره شود این است که در عرفان متداول، نهایتاً برای اثبات مدعای خود به خصوص در بحث وحدت وجود متوسل به بیان مکاشفات خود و دیگران می شوند. مسلم است که نمی توان این نوع اثبات مدعا را پذیرا شد؛ زیرا اولاً: حتی به قول خود عرفا و متصوفه نمی توان اطمینان داشت که آیا مکاشفات و رؤیاها رحمانی است و یا شیطانی، ثانیاً: مخالفین نیز می توانند مدعی مکاشفاتی در رد نظریات آنها باشند و همان اعتباری که مکاشفات

مثبتین دارد همان اعتبار را مکاشفات مخالفین نیز داشته باشد، ثالثاً: در هر صورت مسلم است که رؤیا، خواب و مکاشفه حجت نیست.

برخی برای موجه جلوه دادن عقاید ابن عربی، از برخی از علمای شیعه که مدافع وی بوده‌اند، نام می‌برند تا بدین وسیله عقایدش را موجه جلوه دهند.

در جواب باید گفت: اولاً: عقاید صحیح را باید با خود حق سنجید نه شخصیت‌ها، ثانیاً: اگر برخی از علمای شیعه مدافع وی بودند، همچنین می‌بینیم که تعداد بیشتری از علمای مقابل وی و عقایدش ایستادند. به هر حال ملاک سنجش، خود حق است نه شخصیت‌ها، مسائل عقیدتی تقلیدی نیست.

در مواردی طبرستان ابن عربی برخی از سخنان وی - خصوصاً در تعریف و تمجید خلفاء سه گانه - هیچ راه توجیه ندارد را یا حمل بر تقیه می‌کنند یا می‌گویند از تحریفات آثار ابن عربی است.

باید گفت:

مواردی را می‌توان حمل بر تقیه نکرد که به صورت نادر در آثار نویسنده‌ای باشد؛ اما اگر نویسنده‌ای دائم از عقیده‌ای سخن گوید و یا استدلال برای حقانیت آن اقامه کند عقلاً و اهل علم آن مورد را حمل بر تقیه نمی‌کنند. عنوان مثال: ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه که بزرگترین و مشهورترین کتاب و رساله اوست، اتم از فضائل و مناقب شیخین سخن می‌گوید و حتی احادیث جعلی را برای این مقاصد استخدام می‌گیرد و تا آنجا پیش می‌رود که خلیفه دوم را معصوم معرفی می‌کند؛ چیزی که حتی خود اهل سنت نیز بدان قائل نیستند - با وجود چنین مطالب گسترده‌ای کلامی که منصف بی‌طرفی می‌تواند احتمال تقیه را بدهد؟!!

و اما درباره تحریف آثار وی:

در نزد هر پژوهشگر عرصه علم و تاریخ، آنچه در این باره ملاک است نسخه‌های خطی قدیمی است؛ بنابراین اگر مطلب یا مطالبی در معتبرترین نسخه‌های خطی نویسنده‌ای یافت شود، آن مطالب مورد پذیرش اهل علم و تحقیق خواهد بود.

با این توضیح می‌گوییم:

آن مطالبی که برخی از طرفداران ابن عربی جزو تحریفات او می‌دانند، در معتبرترین نسخ خطی موجود است؛ به عنوان نمونه برخی از باور کنندگان عقاید وی که شیعه نبودن وی را بر نمی‌تابند، توهین و فحاشی ابن عربی به شیعه و شهود شیعه به صورت خوک را جزو تحریفات آثار وی نام می‌برند، این در صورتی است که این وهیز در نسخه‌های معتبر خطی فتوحات مکیه موجود است. به هر حال باید عالمانه و کارشناسانه سخن گفت و بحث نمود نه از روی تعصبات و پیش داوری‌ها.

اکنون بگویم: آیا می‌توان به سخنان ابن عربی که از طرفی به پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) توهین و جسارت می‌کند، و از طرف دیگر امثال متوکل عباسی که در خونریزی سید علی (علیه‌السلام) بانزد عام و خاص است را از اولیای خدا معرفی می‌کند، اعتماد کرد و وی را اولیای خدا دانست؟! ^(۱)

آیا می‌توان کسی که در فتوحات شیعیان دوازده امامی را جزو منحرف‌ترین طوایف شیعه نام می‌برد، از اکابر عارفی و صاحب کمالات دانست و دائم سنگ وی را به سینه زد و با تمام توان سعی در موجه جلوه دادن عقاید وی نمود؟! ^(۲)

خلاصه مطلب اینکه در سخنان ابن عربی منکرته‌های آشکاری با شرع؛ بلکه با عقل و وجدان دیده می‌شود که جای هیچ گونه توجیه عقلی و عارفی ندارد.

در این مجموعه که از دهها منبع معتبر استفاده شده است بدون تعصب و با محوریت وجدان و عقل مورد بررسی قرار گرفته است، و باید است که ان شاء الله سبب آگاهی و ارشاد جویندگان حقیقت شود.

لازم به یاد آوری است که منظور نویسنده اشاعه حق و حقیقت و مبارزه با انحرافات و عقاید ناسالم است و از خوانندگان عزیز درخواست می‌شود مطالب این مجموعه را با دقت و بدون تعصب بخوانند و مؤلف را از دعای خیر خود فراموش نکنند. در پایان

بر خود لازم می بینم که از زحمات جناب حجت الاسلام و المسلمین استاد دکتر محسن مکارم که اینجانب را در تهیه این مجموعه یاری و تشویق نمودند کمال تشکر و امتنان را بنمایم.

و من الله التوفيق و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
سید محسن طیب نیا

شیراز سومین حرم اهل بیت علیهم السلام در ایران
تیر ماه ۱۳۹۰ برابر با ۱۹ شعبان المعظم ۱۴۳۲

www.ketab.ir